



تمشد شدن ضرر باهنگام تنش

پیش بینی تحلیلگران اندیشکده انستیتو خاورمیانه:

با پیوستن اتحادیه اروپا به ائتلاف آمریکا و بریتانیا در دریای سرخ، دامنه تنش ممکن است گسترش یابد



در آستانه یک جنگ منطقه‌ای؟

حملات موشکی در هفته‌های اول سال ۲۰۲۴

در سوریه، عراق، اسرائیل، لبنان، دریای سرخ، یمن و اکنون پاکستان، همگی شامل نیابتی‌ها یا متحدان ایران یا به‌طور فزاینده‌ای خود ایران است. حملات موشکی ایران به شمال عراق و پاکستان نشان‌دهنده تغییر در استراتژی چنددهه‌ای ایران برای «دفاع روبه‌جلو»، با نبرد از طریق نیروهای نیابتی و عدم دخالت مستقیم است. تحلیلگران خاورمیانه می‌گویند تاکتیک‌های جدید می‌تواند هزینه‌های زیادی برای ایران و منطقه داشته باشد. پروفیسور شهرام اکبرزاده از دانشگاه دیکین گفت: «بیشتر ایران را درگیر روبرویی می‌بینیم و بیشتر و بیشتر شاهد حملات ایران هستیم.» سامی نادر، از دانشگاه سنت جوزف در بیروت نیز گفت: «ما در میانه یک جنگ منطقه‌ای هستیم.» حمله داعش در کرمان، بدترین حمله تروریستی در داخل ایران در چند دهه گذشته بود. پروفیسور اکبرزاده گفت: «این حمله باعث افزایش فشار بر مقامات ایران می‌شود. این باعث می‌شود که آنها حتی بیشتر نگران باشند.» بلافاصله پس از حمله داعش، ایران موشک‌هایی را به سمت گروه‌های جدایی طلب مستقر در پاکستان پرتاب کرد. پاکستان یک قدرت هسته‌ای است. پاکستان دارای نیروی نظامی و ارتش و نیروی هوایی بسیار توانمند است. بنابراین افزایش تنش با پاکستان واقعاً بازی با آتش است. ایران همچنین اخیراً موشک‌هایی را به سمت اربیل در شمال عراق پرتاب کرد که ظاهراً یک پایگاه جاسوسی اسرائیل را هدف قرار داد. آوی ملامد، تحلیلگر و نویسنده می‌گوید این حمله نتیجه معکوس داشت زیرا منافع خود ایران را به خطر انداخت. او گفت: «این منجر به تشدید تنش‌ها بین دو گروه از عراقی‌هایی شد که یکی با نفوذ ایران مخالف است و دیگری از ایران حمایت می‌کند.» عراق برای ایران بسیار مهم است، زیرا عراق، تا حد زیادی، ریه‌های ایران است، به این معنی که بازار عراق هدف اصلی محصولات ایرانی است. در دریای سرخ، حملات حوثی‌ها با موفقیت، حمل و نقل کانتینری را مختل کرده است. حوثی‌ها اعلام می‌کنند که این حملات برای نشان دادن حمایت از فلسطینیان در غزه است. اما این اقدام حوثی‌ها که مورد حمایت ایران نیز هستند، این امکان را دارد که از کنترل خارج شود. آمریکا و انگلیس با حمایت لجستیکی استرالیا حملات هوایی را علیه حوثی‌ها انجام داده‌اند. ظاهراً حوثی‌ها می‌خواهند ثابت کنند که یک بازیگر اصلی در منطقه هستند.

در آخر هفته، شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران در عراق راکت‌هایی را به پایگاه آمریکایی شلیک کردند. در آن سو موشک‌های اسرائیلی به دمشق اصابت کردند و بنابر گزارش‌ها، چهار عضو سپاه پاسداران ایران از جمله یک فرمانده ترور شدند. از زمان حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر، شبه‌نظامیان حزب‌الله لبنان که مورد حمایت ایران هستند و ارتش اسرائیل در سراسر مرزهای شمالی اسرائیل به تبادل آتش پرداخته‌اند. تاکنون، این درگیری نسبتاً مهار شده است - اگر چه ده‌ها هزار نفر در دو طرف مرز منطقه درگیری را تخلیه کرده‌اند. آقای نادر گفت: «ایران پاسخ‌های خود را می‌سنجد.»

آرون دیوید میلر، تحلیلگر آمریکایی می‌گوید اگر درگیری اسرائیل و حزب‌الله تشدید شود، آن وقت جنگ در مقابلش هیچ خواهد بود. صدها اسرائیلی کشته خواهند شد، اسرائیلی‌ها علیه زیرساخت‌های لبنان، علیه جنوب، علیه جنوب بیروت، جایی که مقر حزب‌الله است، اقدام کرده و یا پاسخ خواهند داد، هزاران لبنانی ممکن است بمیرند. او معتقد است که چنین درگیری‌ای می‌تواند به‌زودی آمریکا و متحدان حوثی ایران را در دریای سرخ درگیر کند. «تعجب نمی‌کنم، اگر در طول این درگیری، شاهد حملات اسرائیل و یا آمریکا علیه دارایی‌های ایران در خلیج فارس یا در خود ایران باشیم، که بدیهی است به‌معنای پاسخ موشکی ایران، احتمالاً علیه برخی مواضع در خلیج فارس و اسرائیل است.» این یک جنگ منطقه‌ای است. این چیزی است که خاورمیانه هرگز تجربه نکرده است. «این امر منجر به افزایش قیمت نفت و افت بازارهای مالی و یک فاجعه واقعی خواهد شد.»

ترجمه: آریا صدیقی

خبرنگار گروه دیپلماسی

امروز بیش از هر زمان دیگری در طول سه ماه گذشته، چشم‌انداز احتمال گسترش درگیری‌ها در خاورمیانه و

تبدیل شدن آن به درگیری‌های مستقیم میان برخی کشورها، واقعاً به نظر می‌رسد. البته هنوز کشورهای درگیر نهایت احتیاط را به خرج داده‌اند اما در عین حال برخی نشانه‌هایی از خود نشان داده‌اند که می‌توان اینگونه تعبیر کرد که آنها برای پذیرفتن ریسک ورود به درگیری بزرگ، در صورتی که نیاز باشد، تردید نخواهند کرد. حملات اخیر حوثی‌ها به کشتی‌های آمریکایی که دیروز انجام شد، گسترش ائتلاف علیه حوثی‌ها با موافقت اتحادیه اروپا به ورود به مشارکت نظامی با آمریکا و بریتانیا، حملات موشکی ایران علیه مقر تروریست‌ها در خاک عراق و پاکستان که در نوع خود، نادر بود و در نهایت شدت درگیری‌ها در مرز لبنان-اسرائیل، ممکن است نشانه‌های وقوع یک درگیری بزرگ‌تر باشد. دو روز پیش نیز فرمانده ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در گفت‌وگو با خبرنگاری آسوشیيتدپرس ادعا کرد ایران در حملات حوثی‌های یمن به کشتی‌ها در طول جنگ اخیر در غزه، به صورت «خیلی مستقیم» دخالت دارد. او حاضر نشد به این پرسش پاسخ دهد که آیا ایران حملات انفرادی یمن در دریای سرخ و خلیج عدن را هدایت کرده است اما مدعی شد که حملات مربوط به ایران از تهدیدهای پیشین این کشور که محدود به خلیج فارس و تنگه هرمز بود، به آب‌های سراسر خاورمیانه گسترش یافته است. ایران و یمن هنوز واکنشی به ادعای فرمانده ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا مستقر در بحرین است، نشان ندادند.

هفته‌نامه اکونومیست در شماره اخیر خود تحلیلی خطرناک درباره وضعیت تنش در منطقه منتشر کرده و احتمال روبرویی ایران و آمریکا را بعید ندانسته است.

این هفته‌نامه نوشت: «در طی ۱۰۰ روز گذشته از زمان حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر، رئیس‌جمهور، جو بایدن، به دنبال کمک به اسرائیل برای پیروزی در جنگ خود در غزه و جلوگیری از تبدیل درگیری به یک جنگ منطقه‌ای با ایران و نیروهای نیابتی آن بوده است. بایدن اکنون با فشار فزاینده‌ای برای انجام اقدامات قوی‌تر علیه ایران مواجه خواهد شد. این یک معضل است: یا هیچ کاری نکنید که موجب می‌شود آمریکا ضعیف به نظر برسد یا تلافی کنید و بایدن در سال انتخابات با خطر جنگ جدیدی روبرو شود. بنابراین، آمریکا و ایران در حال انجام ایجاد موازنه‌ای خطرناک هستند. ایران به متحدان خود در «محور مقاومت» کمک کرده است تا حملاتی را به هدف تضعیف اسرائیل، جابه‌جایی آمریکا و بی‌اعتبار کردن کشورهای عربی که با اسرائیل صلح کرده‌اند (یا به دنبال آن هستند) ترتیب دهند. آمریکا به نوبه خود دست به اقدامات تلافی جویانه محدودی زده است. هر دو از درگیری مستقیم اجتناب کرده‌اند اما تعادل ممکن است به همین منوال باقی نماند. آنچه می‌خوانید تحلیل برخی از کارشناسان انستیتو خاورمیانه درباره مشکلات سیاست خارجی بایدن در منطقه است.»

چالش واشنگتن با دوستان و دشمنان

پل سالم / مدیرعامل



با شعله‌ور شدن جنگ در غزه، ایالات متحده در تلاش است تا دوستانش را متحد کرده و دشمنانش را مهار کند. آنگونه که اعلام شده، هدف حملات آمریکا به مواضع حوثی‌ها در داخل یمن، بازدارندگی این گروه شبه‌نظامی از هرگونه تشدید تنش در دریای سرخ است. در عراق و سوریه، حملات ایالات متحده به شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران، حاوی همین پیام است. در هر سه عرصه، هنوز نمی‌دانیم که آیا این بازدارندگی مؤثر بوده یا خیر. حوثی‌ها متعهد شده‌اند به حملات خود در دریای سرخ ادامه دهند. اخیراً نیز ایران حمله موشکی به ساختمانی در نزدیکی کنسولگری ایالات متحده در اربیل عراق که تهران می‌گوید محل جاسوسی اسرائیل بوده است را برعهده گرفت. اما تا به حال ما شاهد تشدید تنش بزرگی فراتر از آن حوادث نیز نبوده‌ایم. در همین حال، در لبنان، ایالات متحده تلاش می‌کند میان اسرائیل و حزب‌الله میانجیگری کند تا از تشدید تنش در آنجا جلوگیری کند. سیاستی که می‌توانیم آن را «تشدید محدود و سنجیده» بنامیم به‌خوبی برای ایران نیز مناسب است. این کشور خواهان تنش بزرگ با ایالات متحده - یا اسرائیل - نیست، اما امیدوار است که افزایش و حفظ هزینه‌ها برای ایالات متحده در منطقه، هم افکار عمومی اعراب و مسلمانان را راضی کند و هم رای‌دهندگان آمریکایی را در سال انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا از بایدن ناراضی کند. استراتژی بلندمدت ایران بیرون راندن آمریکا از بخش‌های گسترده‌ای از خاورمیانه است. حداقل ایران قصد دارد آمریکا را از عراق و سوریه بیرون کند. علاوه بر این، واضح است که ایالات متحده نیز در طول این بحران با دوستان خود نیز کلنجار رفته است. براساس گزارش‌ها، کیفیت روابط بین جو بایدن و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، به پایین‌ترین حد خود رسیده است. ایالات متحده از تقویم زمانی اسرائیل در خصوص حمله به نوار غزه ناامید شده است، چراکه انتظار داشت در یک تغییر سریع‌تر، اسرائیل از عملیات نظامی در مقیاس بزرگ به رویکردی هدفمندتر چرخش کند. اسرائیل چنین تغییری را در شمال غزه نشان داده اما در باقی نقاط نوار غزه همچنان همان رویکرد قدیمی را در پیش گرفته است. نتانیاهو همچنین دیدگاه ایالات متحده در خصوص نحوه کنترل غزه را پس از جنگ رد می‌کند. ایالات متحده

تشکیلات خودگردان فلسطین (PA) را حائز نقشی محوری در این نظم جدید می‌بیند، در حالی که نتانیاهو با چنین برنامه‌ای مخالف است و حتی از آزادسازی درآمدهای مالیاتی که متعلق به تشکیلات خودگردان است، خودداری می‌کند. نتانیاهو همچنین با تلاش دیپلماتیک در مقیاس بزرگ برای ایجاد نظم پس از جنگ، با هدف احیای مسیری به سوی راه حل دوکشوری موافق نیست. دولت بایدن امیدوار است که چشم‌انداز عادی‌سازی روابط اسرائیل با عربستان سعودی در نهایت بتواند نتانیاهو را راضی کند که به راه حل دوکشوری تن دهد. جالب است که یوآو گالانت، وزیر دفاع اسرائیل، چند موضع متفاوت از موضع نتانیاهو را مطرح کرده است و خواستار تشکیل یک گروه چندملیتی برای غزه پس از جنگ شده و صحبت در مورد ضرورت پیگیری «مسیر دیپلماتیک» پس از جنگ را مطرح کرده است. این واگرایی میان گالانت و نتانیاهو احتمالاً به رقابت‌های سیاسی که در طول سال ۲۰۲۴ در عرصه سیاست اسرائیل رخ خواهد داد، اشاره دارد. در عین حال، همه دوستان و شرکای آمریکا در شورای همکاری خلیج فارس از آمریکا می‌خواهند که برای پایان سریع جنگ در غزه به اسرائیل فشار وارد کند. کشورهای عضو پیمان آبراهام به توافق عادی‌سازی خود با اسرائیل پایبند بوده‌اند و عربستان سعودی همچنان علاقه‌مندی خود را به عادی‌سازی روابط با اسرائیل نشان می‌دهد، اما شروطی برای گسترش توافقات تعیین شده است که البته شامل پایان جنگ در غزه می‌شود. اما موارد مهمتری نیز در کار است و مهمترین‌شان ضرورت حرکت به سمت راه حل دودولتی در سرزمین‌های فلسطینی است. در مورد یمن، مطمئناً نارضایتی زیادی وجود دارد، زیرا دولت بایدن به شدت از عربستان سعودی و شریکانش به دلیل جنگ با حوثی‌ها انتقاد کرده بود و اکنون این ایالات متحده است که وارد جنگ علیه حوثی‌ها شده است. عربستان سعودی و امارات متحده عربی از طریق عادی‌سازی روابط با ایران، تنش شکننده‌ای را با حوثی‌های یمن که مورد حمایت تهران هستند به دست آورده‌اند و حالا نمی‌خواهند با حمایت از تلاش‌های آمریکا در حمله به حوثی‌ها، این امنیت هر چند شکننده را به خطر بیندازند. عربستان معتقد است که مسئله حوثی‌ها به جنگ اسرائیل در غزه مرتبط است نه به سایر مسائل منطقه‌ای.

اگر از جنبه مثبت به تحولات بنگریم، توجه به این نکته مهم است که در حالی که منطقه در چندین عرصه، از شام تا دریای سرخ، درگیری‌های سطح متوسط را تجربه می‌کند،

